

آقای بادامچیان

نظام - رژیم - حکومت

در شتاب برای پرونده سازی مقوله های اجتماعی را قاطی کرده

اسدالله بادامچیان قائم مقام دبیرکل مؤتلفه اسلامی با خبرگزاری ایسنا در تهران یک مصاحبه جدید کرده است. این مصاحبه بر محور کنگره اخیر جبهه مشارکت و تغییر دبیرکل این جبهه دور می زند. تمام کوشش بادامچیان در این مصاحبه ایجاد تفرقه در درون رهبری مشارکت است و انداختن یک عده به جان عده ای دیگر، پیش از آنکه حاکمیت به جان همه شان بیفتد! بخوانید:

«۱- بنده به گسترش حزب در کشور از هر نوع سلیقه که در چارچوب حاکمیت نظام جمهوری اسلامی باشد اعتقاد دارم.

۲- دبیرکل سابق مشارکت، در سخنانش در کنگره، «حاکمیت» را زیر سوال برد، شاید او متوجه نبوده که واژه ها و مفاهیم «حاکمیت»، «دولت» تفاوت دارند. دولت به مجموعه قوه مجریه می گویند، «حکومت» به مجموعه سه قوه و دستگاه ها و نهادهای اداره کننده حکومت می گویند و حاکمیت، به کل نظام اطلاق می شود. بنابراین وقتی آقای محمدرضا خاتمی واژه حاکمیت را مطرح می کند و علیه آن موضع گیری می نماید حاکمیت نظام جمهوری اسلامی را زیر سوال برده است. همین طرز تفکر و دیدگاه دبیرکل سابق و همفکرانش در مشارکت بود که شعار اصلاحات را ملوک کرد و بوش و بلر و رایس و رامسفلد را به حمایت از اصلاح طلبان تشویق نمود و باعث مرگ اصلاحات شد و جمهور مردم را از اصلاحات و اصلاح طلبان جدا کرد.

امید است حزب مشارکت در دوران دبیرکل جدید راهی دیگر غیر از دوران آقای محمدرضا خاتمی را بییابد و بتواند خود را از اینگونه عناصری که احتمال فراوان است که در آینده به اروپا بروند و یا بگریزند دور نگه دارد.

من احتمال قوی می دهم که بزودی عده ای از همین عناصر تند رو افراطی مشارکت از آن حزب با دبیر کل جدید جدا شوند، زیرا اولین کسی که به اظهارات آقای محمدرضا خاتمی پاسخ غیر مستقیم داد دبیرکل جدید در همان کنگره بود.

بار دیگر تاکید دارم که جریان اصلاحات مورد نظر مشارکت سابق و بقیه مرده است، گرچه عناصر آن جریان زنده اند و یکی دیگر از دلایل مرگ اصلاحات کنار رفتن دبیرکل سابق است.»

بادامچیان، در این مصاحبه حرف های دیگری هم در باره جبهه مشارکت و اصلاحات زده است که همگی با همین اهدافی است که در لابلای جملات بالا و نقل شده از او آوردیم و تصور نمی کنیم نیاز به توضیح باشد که او دنبال چه نتیجه گیری از سخنانش است. پاسخ سخنان او را لابد رهبران جبهه مشارکت خواهند داد و ما در مقام پاسخ به او نیستیم. سبب گردی هم که در آسمان حاکمیت یکدست و دولت نیمه نظامی کنونی می گذرد تا برسد به زمین زیاد چرخ خواهد زد. باید دید آن موقع که نظامی ها پوتین روی دم مؤتلفه اسلامی گذاشتند و بنیادها و صندوق ها و تعرفه های کلان واردات را پس بدهید، چون بقیه اش را خودمان می خواهیم بخوریم، آقای بادامچیان همینگونه بالای منبر می رود یا برعکس.

اما، از آنجا که ایشان استاد و یا استادیار دانشگاه است و درباره تاریخ سیاسی و احزاب در ایران درس می دهد و همین نوع نگاه به مسائل اجتماعی را به دانشجویان منتقل می کند و

ضمناً از موضع استادی خواسته است پرونده ای علیه محمدرضا خاتمی بعنوان مخالف حاکمیت باز کند، لازم دانستیم چند مقوله ای را که تحت عنوان حاکمیت، حکومت و دولت مطرح کرده تدقیق کنیم. شاید به کار آید!

این توضیحات برگرفته شده از مقاله بلندی است که زنده یاد ایرج اسکندری در دورانی که دبیر اول حزب توده ایران بوده در مجله دنیا منتشر کرده است. ایرج اسکندری از حقوقدانان برجسته ای ایران بود که در مدارج علمی خود را در فرانسه طی کرده بود. پیش از آنکه دبیر اول حزب توده ایران شود، نماینده دوره چهارم مجلس و برای مدتی کوتاه نیز در کابینه قوام وزیر بود. واژه شناسی سیاسی او زبانزد بود و تصور نمی کنیم آقای بادامچیان - حداقل در خلوت- قصد مقایسه دانش و تجربه خود را با ایشان داشته باشد!

نظام- حکومت- رژیم

نظام به نوع و ساختار حاکم بر یک کشور می گویند. مثلاً نظام جمهوری، نظام سلطنتی، نظام فئودالی، نظام برداری، نظام سوسیالیستی که هر یک از این اشکال محتوا و سمت گیری طبقاتی مختلف دارند و حتی در یک نظام - مثلاً جمهوری و یا سلطنتی و یا حتی در نظام های سوسیالیستی- می توانند رژیم های حاکم دارای تفاوت های مهمی هم با هم داشته باشند.

حکومت و یا حاکمیت به مجموعه دستگاه و یا آپارات دولتی (نه صرفاً کابینه ای) می گویند که هر سه قوه مقننه، قضائیه و مجریه را در بر می گیرد. در جمهوری اسلامی این آپارات حکومتی بدلیل دو کفه ای بودن ترازوی حکومتی - یعنی نقش سلطنتی ولایت فقیه- وضع کمی دارای پیچیدگی می شود، اما این پیچیدگی عمدتاً مربوط به نوع نظام می شود. یعنی دستگاه موازی ولایت فقیه در کنار آپارات حکومتی در حالی که خود در دل حاکمیت است، مقداری در تعارض با نوع نظام است. یعنی وضعیتی معلق میان نظام جمهوری و نظام سلطنتی.

رژیم به شیوه و روش حکومتی می گویند. یعنی در یک نظام حاکم، ممکن است حاکمیت و یا حکومت متکی به روش دیکتاتوری و سرکوب باشد و یا متعهد به دموکراسی و آزادی ها. رژیم ممکن است رژیمی نظامی و کودتائی باشد (مثل رژیم های نظامی و نوبتی در ترکیه یا یونان و یا پاکستان) و یا رژیمی بر آمده از انتخاب و آراء مردم. ترکیب طبقاتی و سمت گیری اجتماعی- اقتصادی حاکمیت در یک نظام نیز ماهیت و سمت گیری رژیم را مشخص می کند. مثلاً رژیم، در حاکمیت نظام جمهوری اسلامی در دوره های مختلف دارای ماهیت های متفاوت اجتماعی- اقتصادی بوده و ترکیب های گوناگون به خود گرفته است. رژیم حکومتی در ابتدای تاسیس جمهوری اسلامی که آقای بادامچیان و حزب وی "موتلفه اسلامی" از مخالفان سرسخت آن بودند، خواه نا خواه با رژیم حاکمیت معروف به "یکدست" کنونی فاصله ای نجومی داشته و یا رژیم اصلاحی در حاکمیت زیر فشار دوران اصلاحات، روش و عملکردش با رژیم کنونی کاملاً متفاوت بوده است.

بنابراین، تصور می کنیم وقتی از حاکمیت انتقاد می شود، باید حاکمیت یکدست به مفهوم مورد اشاره در بالا و نوع روش و منش آن - رژیم- مورد نظر باشد تا نظام.